

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۶، سال اول، اکتبر ۲۰۰۰
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

والاترین و نابترین نمونه و الگوی امانت و وفاداری در زندگی
او نهفته است.

امانت ثمره روح است

امانت و وفاداری نتیجه تحولی است که خدا در قلب ما پدید
می‌آورد؛ این خصیصه باید وجه مشخصه هر خادم مسیح باشد.
امانت ثمره روح است؛ آن با تلاش انسانی قابل حصول
نمی‌باشد، بلکه با تسلیم دائمی به مسیح و کلامش و روح القدس
در وجود ایماندار شکل می‌گیرد
(در غلاطیان ۵: ۲۲، امانت ثمره
روح است؛ در ترجمه قدیمی
کتاب مقدس، این کلمه به صورت
"ایمان" ترجمه شده، اما مفهوم
درست آن همان امانت و وفاداری
است).

توجه به زندگی عیسی

برای درک بهتر مفهوم این
خصلت رفیع، به امانت عیسی
نظری خواهیم افکند. آنگاه هر یک
از ما ضعف خود را در این زمینه

خواهیم دید و خواهیم توانست آن را اعتراف کرده، از خدا
درخواست کنیم که ما را به شباهت عیسی در آورد، چرا که
موفقیت ما در خدمت، منوط به این خصلت است.

۱- عیسی در دعا امین بود (مرقس ۱: ۳۵). او هر روز را

(ادامه در صفحه ۹)

«ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد
آمد زیرا که او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است، و آنانی نیز که
با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امینند» (مکاشفه ۱۷: ۱۴).

نشانه شاگردی

یکی از نشانه‌های شاگردان و پیروان اصیل مسیح، امین بودن
است! آنانی که به راستی خوانده شده و برگزیده خداوند ما
عیسی مسیح می‌باشند، به او و کلامش و کلیسایش امین و
وفادار خواهند ماند و تا به آخر در
شادی پیروزیهای او سهیم خواهند
بود. در واقع، در کتاب مقدس کلمات
«امین» و «ایماندار» اکثراً به طور
مترادف و هم معنی به کار رفته‌اند
تا این حقیقت در فکر و قلب ما
حک شود. امانت و وفاداری یکی
از سجایای خداوند عیسی است و
باید در تمام آنانی که نمایندگان او
می‌باشند، مشهود باشد.

عیسی، والاترین نمونه
امانت

در کتاب مقدس کلمه «امین» یا وفادار معانی متعددی دارد.
یکی از معانی آن، اطمینان راسخ شخص است به اعتقاداتش،
طوری که هیچگاه نسبت به آنها دچار شک نمی‌شود. معنی دیگر
آن، قابل اعتماد بودن شخص است نسبت به تعهداتش به خدا و
انسانها. اما اگر به راستی می‌خواهید مفهوم امانت را درک کنید،
باید زندگی عیسی را به دقت مورد موشکافی قرار دهید؛

امین همچون عیسی

از تت استیوارت

سرسخن

مطالب این شماره:

- امین همچون عیسی
(تت استیوارت) ص ۱
- امانت خدا و خادم تنها
(فریبرز نیکوروش) ص ۳
- کلیسای هدفمند (بخش چهارم)
(سارو خاچیکیان) ص ۴
- خادم و تفسیر کتابمقدس
(بخش چهارم) ص ۵
- موعظه کتابمقدسی (بخش اول)
(تت استیوارت) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

خوانندگان گرامی،

درودمگرم ما را در نام پر جلال نجات‌دهنده و سرورمان، خداوند عیسی مسیح بپذیرید. دعا می‌کنیم که در خدمت خدا با امانت پیش بروید و به واسطه حضور و قدرت روح القدس در زندگی تان، دلگرم باشید. دعای ما این است که هر شماره «شبان» برایتان الهام‌بخش باشد و کمکی عملی برای خدمتتان به‌ارمغان بیاورد.

از آن دسته از خادمینی که با ما تماس گرفتند و ما را مورد تشویق قرار دادند، تشکر می‌کنیم. خواهش می‌کنیم که اگر نشانی تان تغییر یافته، ما را در جریان قرار دهید.

شاید از شنیدن این خبر شاد شوید که آخرین شماره مجله «شبان» برای بیش از ۱۵۰ شبان و خادم در ۱۷ کشور مختلف فرستاده شد. باید از این شاد باشیم که چنین تعدادی از خادمین در کلیساها و جماعت‌های ایرانی خدمت می‌کنند. پس به‌جاست که برای یکدیگر، برای برادران و خواهران همسنگر خود که وفادارانه خدا را خدمت می‌کنند، دعا کنیم.

در این شماره، سلسله-مقالات جدیدی را در زمینه موعظه کتابمقدسی آغاز می‌کنیم. در نخستین بخش از این مقالات، به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که برخورداری از دعوت خدا برای موعظه کردن، چه معنا و مفهومی دارد. همچنین، برادرمان کشیش فریبرز موضوع امانت خدا و امانت و وفاداری ما در خدمت خدا را مورد بحث قرار می‌دهد. و باز از نوشته کشیش سارو در خصوص موضوع کلیسای هدفمند، و نوشته برادر آرمان در زمینه تفسیر کتابمقدس بهره‌مند می‌شویم.

در ضمن اینکه به پایان سال نخست از انتشار «شبان» نزدیک می‌شویم، خدا را شکر می‌کنیم که نیازهای مالی ما را برآورده ساخته است. اگر خدا در قلبتان می‌گذارد که به امر تداوم انتشار این مجله کمک کنید، می‌توانید هدایای خود را به نام TALIM Ministry ارسال بفرمایید. توجه بفرمایید که نشانی این مؤسسه تغییر یافته که آن را در ستون سمت چپ این صفحه خواهید یافت.

دعا می‌کنیم که مطالعه این شماره باعث برکتان گردد تا شما نیز به نوبه خود باعث برکت دیگران گردید.

از طرف همکاران شبان،

تت استیوارت

سردبیر

امانت خدا و خادم تنها

از کشیش فریبرز نیکوروش

چرا در میان آن همه غم و خطر و ویرانی و مشقت، ارمیای نبی، این کلمات امیدوارکننده و نیروبخش را بر زبان خود جاری می‌سازد؟ آیا او سعی می‌کند با تلقین به خود و تمسک به "نیروی افکار مثبت" خود را "روحیه" بخشیده، به خود نیرو دهد؟ خیر! ایمان ارمیا به محبت و وفاداری خدا بر پایه حقیقتی به مراتب عینی‌تر استوار است. او پس از سالها گام زدن با خدای وفادار، دانسته است که خداوندش با صبر و سخت‌کوشی، مراقب جان او است. او دانسته و درک کرده است که خدا هر روز صبح زود بر می‌خیزد و با قوم خود سخن می‌گوید^(۴). به این جهت است که در زمانی که دشمنان از همه طرف نبی خدا را احاطه کرده‌اند و زمانی که جسم او را زخمها و جانش را درد و غم فرا گرفته است، ارمیا می‌داند که خداوندش امانت دارد و رحمت‌های او «هر صبح تازه می‌شود»، زیرا که خداوند ما هر روز پیش از ما با کلامی زندگی‌بخش و رحمتی نو، به جهت برکت بخشیدن به فرزندان خود بیدار است.

۱- ارمیا ۳۶:۹-۳۲ (فکر نکنید که امر سانسور پدیده‌ای تازه است! ولی کلام خدا و نبوت خدا با آتش پادشاهان ستمکیش از بین نمی‌رود).

۲- به طور مثال به این آیات توجه کنید: ۱۹:۴ به بعد؛ ۱۸:۸ به بعد؛ ۱۰:۹-۱۲؛ ۱۸:۱۸-۲۳؛ ۷:۲۰-۱۸.

۳- مرثی جمع مرثیه است. کتاب مرثی ارمیا مجموعه ناله‌ها و استغاثه‌های ارمیای نبی است. کتاب مرثی ارمیا در واقع نوحه ارمیای نبی است که در رثای ویرانی اورشلیم سروده است.

۴- ارمیا ۷:۱۳؛ ۷:۲۶؛ ۱۱:۷؛ ۱۹:۲۹؛ ۳۲:۳۲؛ ۳۳:۱۵-۱۴؛ ۴۴:۴.

کرده، از بخت بد خود زبان به شکوه و گلایه می‌گشاید.

شکایت و گلایه او چندان هم بی‌دلیل نبود. او در عنفوان جوانی به خدمت خدا خوانده شد. او موظف بود که کلام ناخوشایند خدا را به گوش مردم گناهکار هم عصر خود برساند و در نتیجه با مخالفت مردم عادی، کاهنان و رهبران مذهبی زمان خود، و حتی پادشاه مملکت مواجه گردید. پادشاه وقت، کلام نبوت او را گرفته، آن را به آتش سوزاند^(۱). او را به سیاه‌چال انداختند و ظاهراً در تبعید (یا اسارت) جان سپرد. پس بی‌دلیل نیست که او آنچنان لب به شکایت باز کرده بود و آنگونه از بخت و اقبال خود دلگیر بود^(۲). آنچه ارمیای نبی را بیش از هر چیز رنج می‌داد گناه و

خداوند ما هر روز پیش از ما با کلامی زندگی‌بخش و رحمتی نو، به جهت برکت بخشیدن به فرزندان خود بیدار است

نافرمانی اورشلیم بود. او می‌دانست که داوری الهی بر اورشلیم آمدنی است و محبت عمیق او به قوم خدا و غم جان‌سوز او به جهت ویرانی قریب‌الوقوع این شهر او را بیش از هر چیز رنج می‌داد. دل ارمیا، در بحبوحه زحمات و سختی‌هایش، برای قوم خدا و شهر خدا می‌طپید. این مطلب را با مطالعه کتاب مرثی ارمیا دریافت می‌توان کرد^(۳).

«از رأفت‌های خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمت‌های او بی‌زوال است؛ آنها هر صبح تازه می‌شود و امانت تو بسیار است» (مرثی ۲۲:۳-۲۳)

این آیات را بی‌شک خوانده یا شنیده‌اید. حقیقتی که از این آیات دستگیر می‌گردد، امری عجیب و خلاف انتظار نیست؛ آنچه که انسان را به تعجب وامی‌دارد، این نکته است که ارمیا این کلمات را در میان آه و ناله و شکوه و شکایت خود بیان می‌کند. گویی نبی زخم‌خورده، به آخرین و تنها مستمسک خود چنگ زده، خویشتن را با مرهم رحمت‌های خدا مداوا می‌کند. در هیچ جای تاریخ بنی‌اسرائیل، نبی بودن کار آسانی نبوده است. علت این بود که نبی از سوی خدا با وجدانهای مقصر افراد سخن می‌گفت؛ نبی بر ضعف‌ها و خطاهای عمدی و اشتباهات قوم اسرائیل انگشت می‌گذاشت. انبیای عهدعتیق تقریباً همیشه مورد قهر و نفرت اجتماعشان قرار داشتند. بسیاری از آنان از شهر و دیار خود رانده و آواره شدند؛ و هرگاه که یک نبی بیش از حد تحمل جامعه حقیقت‌گویی می‌کرد، چه بسا که به زندان و سیاه‌چال انداخته شده، حتی جانش را بر سر وفاداری به پیام خود از کف می‌داد.

هرگاه که سخن از سختی انبیای عهدعتیق به میان می‌آید، بی‌اختیار به یاد ارمیای نبی می‌افتم. علت این نیست که انبیای دیگر کمتر از او مشقت دیدند و یا اینکه او بیشتر از دیگران جفا کشید. بلکه فکر می‌کنم هیچ یک از انبیاء به اندازه ارمیا از سختی‌ها و مشقات خود ناله نکرد؛ او با صداقت تمام در باره ضعف‌های خود سخن می‌گوید و بدون آنکه سعی در قهرمان‌سازی خود کند، به خدا شکایت

کلیسای هدفمند

زیربنای کلیسای سالم: برخورداری از هدفی مشخص

بخش چهارم

از کشیش سارو خاچیکیان

مسیح: «من کلیسای خود را بنا می‌کنم»

(متی ۱۶:۱۸).

پولس: «به‌حسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم»
(اول قرنتیان ۳:۱۰).

در شماره پیشین، نظری بر نیروی محرکه کلیسا افکندیم و دیدیم که چطور عواملی گوناگون ممکن است نیروی محرکه کلیساها باشند. در این میان، از عواملی نام بردیم که عبارت بودند از: سنت، شخصیت رهبر، بودجه، برنامه، ساختمان، فعالیت و حقجویان. در ضمن به شما قول دادیم که از این شماره به بررسی اهدافی بپردازیم که خداوند برای کلیسایش قایل شده است.

هدف: زیربنای کلیسا

کلیسای مسیح به‌درستی در کتاب مقدس به یک ساختمان تشبیه شده است. همانگونه که یک ساختمان از نظر اصولی باید با بنیاد یا زیربنایش سازگار باشد، کلیسا نیز چنین است. چگونگی زیربنای کلیسا گویای قدرت و بزرگی کلیساست. زیربنای پوسیده و معیوب نمی‌تواند نگره‌دارنده کلیسایی باشد که خدا می‌طلبد. اگر

کلیسای مطلوب می‌خواهیم باید وقت کافی به پایه‌ریزی کلیسا بدهیم. بخش مهمی از این وقت باید صرف تعیین هدف و توضیح آن به افراد و آماده ساختن آنها برای اجرای آن شود. وقتی هدف کلیسا به‌طور واضح برای اعضا تشریح شود، نیروی خارق‌العاده‌ای جهت بنای کلیسا به‌وجود می‌آید. هدف واضح و روشن دست‌کم پنج فایده دارد.

بخش مهمی از این وقت باید صرف تعیین هدف شود. وقتی هدف کلیسا به‌طور واضح برای اعضا تشریح شود، نیروی خارق‌العاده‌ای جهت بنای کلیسا به‌وجود می‌آید.

۱- هدف روشن روحیه اعضا را تقویت می‌کند

پولس در اول قرنتیان ۱:۱۰ نشان می‌دهد که رمز اتحاد کلیسا در داشتن هدفی مشترک است: «همه یک سخن گوئید و شقاق در میان

شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رأی کامل شوید.» اگر هدف و مأموریت کلیسایتان روشن نباشد، اتحاد و روحیه مناسب جهت بنای کلیسا موجود نخواهد بود. وقتی کلیسا هدف والایی داشته باشد، مردم وقت نخواهند داشت که بر سر چیزهای جزئی با یکدیگر بحث و جدل کنند. هدف روشن در مردم نشاط و حس همکاری ایجاد می‌کند. «جایی که رؤیا نیست قوم گردنکش می‌شوند» (امثال ۲۹:۱۸). و می‌توان بر پایه همین آیه گفت: «جایی که رؤیا و هدف نیست، مردم به کلیسای دیگری می‌روند!» هیچ چیز بیش از این باعث دل‌سردی افراد نمی‌شود که آنها ندانند کلیسا برای چه هست. از سوی دیگر، بهترین چاره برای کلیسایی که راکد مانده، این است که به مردم نشان دهیم هدف خدا برای کلیسایش چیست.

۲- هدف روشن یأس را از بین می‌برد

در اشعیا ۲۶:۳ خطاب به خداوند آمده است که «دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد [و هدفهای روشن خود را پی می‌گیرد]». این جمله آخر را به آیه افزوده‌ایم تا نشان دهیم چه آرامشی هست (ادامه در صفحه ۱۲)

خادم و تفسیر کتاب مقدس

بخش سوم: گامهای عملی تفسیر (ادامه)

نوشته آرمان رشدی

در شماره‌های گذشته، گفتیم که برای آنکه پیغام کتاب مقدس را به درستی درک کنیم و بدانیم که امروز چگونه باید آن را برای زندگی خود به کار ببریم، به علم تفسیر نیاز داریم. سپس گامهای عملی تفسیر را برشمردیم. برای حضور ذهن خوانندگان گرامی، این گامها را مجدداً نام می‌بریم:

- ۱ ● متن را چند بار بخوانید.
- ۲ ● متن را از ترجمه‌های مختلف بخوانید.
- ۳ ● چارچوب متن را بیابید و متن را در چارچوب چندین بار بخوانید.
- ۴ ● معنی کلمات و اصطلاحات دشوار را بیابید.
- ۵ ● توجه کنید که متن در کدام عهد از کتاب مقدس آمده است.
- ۶ ● سبک ادبی کتاب یا بخشی را که متن در آن آمده، پیدا کنید.
- ۷ ● پیشینه‌ها یا شرایط تاریخی، جغرافیایی، و فرهنگی را که متن در آن نوشته شده، پیدا کنید.
- ۸ ● متن خطاب به چه کس یا کسانی نوشته شده است.
- ۹ ● موجباتی را که باعث شده نویسنده این متن را بنویسد، کشف کنید.
- ۱۰ ● معنی یا پیام اصلی متن را در چارچوبش پیدا کنید، یعنی پیامی که مقصود اصلی نویسنده بوده است.
- ۱۱ ● نحوه ارتباط پیام متن را به شرایط امروزی ما پیدا کنید.

در شماره گذشته، به بررسی گامهای ۱ تا ۴

پرداختیم و آنها را بر روی یک نمونه، یعنی

فیلیپیان ۲:۱-۴ تمرین کردیم.

گامهای ۱ تا ۴ را هر ایمانداری بدون نیاز به مراجعه به کتاب‌های تفسیر و راهنما می‌تواند انجام دهد. اینها کارهایی کلی و مقدماتی است که موجب آشنایی و تسلط بر متن می‌گردد. این گامها کمک می‌کنند تا از محتوا و موضوع بحث آیه‌های مورد نظر در چارچوب و زمینه خاصشان به دقت آگاهی بیابیم.

دو گام بعدی، یعنی گامهای ۵ و ۶، نکاتی است که برای تفسیر باید «در نظر داشته باشیم» و به آنها «توجه بکنیم».

گام ۵: عهدعتیق و عهدجدید

توجه به این امر که آیه‌های مورد نظر در کدام عهد آمده، در کار تفسیر اهمیتی حیاتی دارد. بسیاری از اختلاف نظرها ناشی از عدم توجه به این نکته است. خادم خدا باید بداند که رابطه میان عهدعتیق و عهدجدید چیست و ارزش هر یک برای ایمان و عمل مسیحی (اصول اعتقادات و زندگی مسیحی) چه می‌باشد.

برای درک درست رابطه عهدعتیق و عهدجدید، باید به آموزه مکاشفه پیشرونده توجه داشته باشیم. اصل مکاشفه پیشرونده یا تدریجی به این موضوع اشاره دارد که خدا نقشه‌اش برای بشریت و کلاً حقایق روحانی را در یک مقطع از زمان و بر یک نبی مکشوف نکرد، بلکه این کار را در طول حدود ۱۵۰۰ سال و از طریق انبیای متعدد تحقق بخشید. اوج مکاشفه خدا در شخص عیسی مسیح، کلمه خدا، بر بشر عرضه شد.

در این معنا، می‌توان گفت که در زمان موسی مکاشفه الهی به مرحله‌ای پیشرفته‌تر از زمان ابراهیم رسید. و با نبوت هر یک از انبیا، مکاشفه به مراحل پیشرفته‌تر و کامل‌تری رسید. برای مثال، وعده آمدن منجی در پیدایش باب ۳ داده شد. موسی نکات جدیدی را به این مکاشفه افزود. داود در مزامیرش این مکاشفه را کامل‌تر ساخت. اشعیا و سایر انبیا نیز آن را به مراحل جلوتری سوق دادند. اما با ظهور خداوند ما عیسی مسیح، پیشگوییها در مورد منجی موعود نه فقط جامه عمل پوشید، بلکه به اوج خود رسید. یا مثلاً آموزه تثلیث در لابلای تعالیم عهدعتیق به چشم می‌خورد؛ اما تا ظهور خداوند ما عیسی این آموزه کامل و روشن نبود.

نمونه‌های فوق بُعدی اعتقادی داشت. اما در بُعد اخلاقیات نیز مکاشفه پیشرونده صادق است. به عنوان نمونه، در دوره عهدعتیق موضوع تک‌همسری هنوز مکشوف نشده بود. به همین جهت، بسیاری از مردان خدا همسران متعدد داشتند. تعلیم بخشش دشمنان و گذشت و پرهیز از انتقام را خداوند ما عیسی مسیح آورد؛ در عهدعتیق این تعلیم به صورت ابتدایی وجود داشت اما اصل حاکم نبود. به همین جهت، بازتاب انتقام را در بسیاری از بخشهای عهدعتیق می‌بینیم.

با توجه به توضیحات فوق، می‌توان اصول زیر را در مورد رابطه عهدعتیق و عهدجدید بیان داشت:

- عهدعتیق و عهدجدید هر دو الهامی هستند و مکاشفه الهی را عرضه می‌دارند. (دنباله در صفحه بعدی)

● اما اوج مکاشفه الهی در عهدجدید یافت می‌شود.

● در عهدعتیق، اصول اعتقادات و اخلاقیات به صورت «غنچه» یافت می‌شود، در حالیکه در عهدجدید این اصول به صورت «گلِ کامل» در آمده است.

● بار اعتقادات و اخلاقیات مسیحی نهایتاً بر دوش عهدجدید است. به عبارت دیگر،

مسیحیان باید اصول اعتقادی و اخلاقی عهدعتیق را از صافی و فیلتر عهدجدید بگذرانند و آنها را به این شکل بپذیرند یا مورد عمل قرار دهند.

● برای مسیحیان، اجرای احکام شریعت موسی، آنگونه که برای یهودیان بود، لازم‌الاجرا نیست. مسیحیان باید آنها را آنطور اجرا کنند که در عهدجدید تجدید و تفسیر شده است. مثلاً نکه داشتن روز سَبَّت برای مسیحیان الزامی نیست. اما با توجه به شیوه نگرش مسیح به شریعت، می‌دانیم که سَبَّت برای رفاه انسان مقرر شده است، لذا مسیحیان باید یک روز را در هفته به استراحت جسمی و تجدید قوای روحانی بپردازند.

● از عهدعتیق نباید انتظار اخلاقیات عهدجدیدی را داشته باشیم.

اگر اصول فوق در خصوص رابطه دو عهد را مدنظر داشته باشیم، بسیاری از رویدادها یا مطالب عهدعتیق دیگر به صورت معضل و سؤال جلوه نخواهند کرد. برای مثال، بعضی از مزامیر حاوی آرزوی لعنت برای دشمنان است. بسیاری از مسیحیان وقتی با این دسته از مزامیر روبرو می‌شوند، دچار سردرگمی می‌گردند. یا واکنش غریب یعقوب در مقابل قتل عام شهر شکیم به دست پسرانش (پیدایش باب ۳۴)، باعث حیرت است؛ در پرتو تعالیم عهدجدید، چنین واکنش سردی از یک نبی

غیرقابل قبول می‌نماید.

اما اگر توجه داشته باشیم که در عهدعتیق، مکاشفه عقیدتی و اخلاقی هنوز به اوج خود نرسیده بود، دیگر این مسائل موجب اغتشاش ذهن مسیحیان نخواهند بود. در مواجهه با این نمونه‌ها، خادم مسیحی می‌داند که از عهدعتیق نباید انتظار اخلاقیات عهدجدید را داشته باشد. او سعی نخواهد کرد با تفسیرها و تعبیرهای غیرمنطقی و تحمیلی، به نوعی این اختلاف‌های میان عهدعتیق و عهدجدید را رتق و فتق کند. او در مقابل سؤال افراد، پاسخ خواهد داد که در دوره عهدعتیق خدا چنین رفتارهایی از جانب انبیا را تحمل می‌کرده است، چرا که هنوز اخلاقیات عهدجدید و مسیحی مکشوف نشده بود.

گام ۶: توجه به سبکهای ادبی

کتابمقدس شامل ۶۶ کتاب است. در نگارش این ۶۶ کتاب، سبکهای ادبی مختلفی به کار رفته است. سبکی که بیش از همه در کتابمقدس به کار رفته، سبک «روایت» است. کتاب‌هایی نظیر پیدایش، بخشی از خروج، یوشع، اول و دوم سموئیل، همه به سبک روایتی نوشته شده‌اند. کتاب اعمال رسولان نیز به همین سبک است.

بعضی از کتاب‌ها به شعر هستند، نظیر ایوب، مزامیر، غزل غزل‌ها و بسیاری از کتاب‌های نبوتی. بسیاری از بخشهای کتاب‌های دانیال، حزقیال، زکریا، و مکاشفه، به سبکی که به «مکاشفه‌ای» معروف است نوشته شده و بعضاً حالت نمادین و سمبولیک دارند. انجیل‌ها سبک خاص خود را دارند و رسالات نیز به سبک نامه‌های متداول آن روزگار نوشته شده‌اند.

تقسیم‌بندیهای مذکور حالتی کلی دارد؛ برای آگاهی از سبکهای دقیق هر کتاب، طبعاً باید به منابع مربوطه مراجعه کنید. اما آنچه که

در این مقاله باید مورد تأکید قرار دهیم، اهمیت توجه به سبک ادبی به‌هنگام تفسیر می‌باشد. نکته مهم این است: هر آیه یا هر متنی از کتابمقدس باید حتماً با توجه به سبک ادبی به کار رفته تفسیر شود.

با این توصیفات، مطالب کتاب امثال سلیمان را نمی‌توان مانند مطالب کتب روایتی تفسیر کرد. در کتب روایتی، رویدادها معنایی جز آنچه که می‌گویند ندارند. اگر از آنها درسی اخلاقی بتوان گرفت، آن را نباید تفسیر این رویدادها به حساب آورد. از آنها می‌توان نمونه‌ای اخلاقی گرفت. اما آیه‌های کتاب امثال را باید به صورت ضرب‌المثل تلقی کرد و همانطور نیز تفسیر کرد. مطالب نیمه دوم کتاب دانیال حالت مکاشفه‌ای دارد و پسر است از تصاویر نمادین؛ آنها را نمی‌توان به صورت تحت‌اللفظی برداشت کرد. در مورد کتاب مکاشفه نیز چنین است. جاندارانی که با هفت سر و ده شاخ از دریا بالا آمد (مکاشفه ۱۳)، نمادی است از قوت شیطان و نباید پنداشت که روزی جاندارانی با این شکل و شمایل ظاهر خواهد شد.

پس از آنکه به مسائل مذکور در دو گام فوق توجه کردیم، باید گامهای بعدی را برداریم.

گام ۷: پیشینه‌ها

کتابمقدس در شرایط تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی متفاوتی نوشته شده است. مردم روزگار نگارش مطالب آن را کاملاً درک می‌کردند، همانطور که ما مطالب مثلاً روزنامه‌های امروز در مورد بوسنی و هرزگوین را به خوبی درک می‌کنیم، در حالیکه ممکن است یک انسان عادی، ۲۵۰ سال بعد متوجه اشارات موجود در این روزنامه‌ها نشود. برای درک مطالب بخشهای مختلف (دنبال در صفحه ۱۰)

آیا برای موعظه کردن

خوانده شده‌اید؟

از کشیش تَت استیوارت

می‌باشند. بعضی دیگر نیز تشنهٔ اقتداری هستند که فکر می‌کنند واعظ بر مردم دارد. روزی یکی از دوستان قدیمی‌ام که بی‌ایمان است، به دیدنم آمد؛ او به محراب کلیسایی که در آن زمان محل خدمتم بود رفت و پشت منبر قرار گرفت. او هر دو دست را قدرتمندانه بر منبر گذاشت و گفت: «این منبر چه قدرتی به آدم می‌دهد؛ از این قدرت لذت می‌بری، هان؟»

در دلم گفتم: «کاش که می‌دانستی با چه ترس و لرزی و با چه حس ناتوانی پشت منبر می‌روم! چون برای من، موعظه کردن یعنی ایستادن در حضور او که مقدس است و می‌خواهد کلامش به‌درستی موعظه شود.»

منبر جای نمایش دانش و قدرت بیان واعظ نیست؛ منبر جای ریاست‌طلبی و سلطه‌جویی بر مردم نیست. منبر جایی است مقدس که واعظ باید با فروتنی پشت آن قرار گیرد و با دعای بسیار به درگاه خدا، پیام او را به قوم او اعلام کند.

(دنباله در صفحهٔ بعدی)

زخمی و بی‌روح برساند تا ایشان را ملزم سازد، تعلیم دهد، و با حقایق رهایی‌بخش برکتشان دهد (یوحنا ۸: ۳۶).

منبر جای نمایش دانش و قدرت بیان واعظ نیست؛ منبر جای ریاست‌طلبی و سلطه‌جویی بر مردم نیست. منبر جایی است مقدس که واعظ باید با فروتنی و با دعا پیام او را اعلام کند.

واعظ باید دعوت شده باشد

واعظ باید از سوی خدا برای این خدمت دعوت شده باشد. اما بسیاری ممکن است با انگیزه‌هایی نادرست جذب آن شوند. بعضی مایلند موعظه کنند زیرا تشنهٔ توجه مردم

خدا می‌خواهد از طریق واعظ سخن بگوید

اگر می‌خواهید بدانید که کلیسایی تا چه حد سلامت است، باید به منبرش نگاه کنید و به واعظینش گوش دهید، زیرا از طریق موعظه بوده است که خدا در تمام طول تاریخ کلیسا را احیا کرده و انسانها را با پیام امیدبخش انجیل دگرگون ساخته است. مسیحیت اصیل بستگی به موعظهٔ کتاب مقدسی دارد. مسیحیت یعنی رابطه با خدا بر اساس کلامش. خدا از طریق انبیا سخن گفت (عبرانیان ۱: ۱-۳)، و از طریق پسرش سخن گفت (یوحنا ۱: ۱-۲)، و می‌خواهد از طریق واعظین سخن بگوید. موعظه یعنی بیان آنچه که خدا فرموده، به‌منظور اینکه انسانهای گمشده به سوی مسیح بیایند. موعظه است که انسان را به توبه سوق می‌دهد و ایماندار را به رشد و بلوغ ترغیب می‌کند. واعظ این خدمت مقدس را بر عهده دارد که پیام خدا را به قلب‌های

چگونه بدانیم که دعوت شده‌ایم؟

اما چگونه می‌توان دانست که کسی برای موعظه کردن دعوت الهی دارد؟ آنانی که از سوی خدا برای این خدمت دعوت نشده‌اند، به دنبال یافتن پیرو برای خود هستند، نه شاگرد برای مسیح. موعظه ایشان توبه حقیقی و ثمره ماندگار به‌ارمغان نمی‌آورد؛ فقط کسانی را جذب می‌کند که صرفاً می‌خواهند دین خود را عوض کنند! اینها صلیب را موعظه نمی‌کنند که بر روی آن، شخص باید برای امیال خود بمیرد؛ بلکه پیامی را موعظه می‌کنند که خدا را ابزاری در دست انسان معرفی می‌کند که نیازها و خواسته‌های او را برآورده می‌سازد. شما چه نوع واعظی هستید؟ آیا تشنه مسیح خدای متعال بر زندگی و موعظه خود هستید؟ اگر هستید، پس محک‌های کتاب مقدس برای چنین دعوتی را مورد ملاحظه دقیق قرار دهید.

آنانی که از سوی خدا برای این خدمت دعوت نشده‌اند، به دنبال یافتن پیرو برای خود هستند، نه شاگرد برای مسیح.

از خودتان این سوالات را بکنید:

۱- آیا دعوت خدا را برای موعظه، در یک زمان خاص احساس کردم؟ (اعمال ۱۵:۹-۱۶ و ۲۰ و ۱۴:۲۲-۱۵ را بخوانید).

بسیاری از خادمین خدا به یاد می‌آورند که در یک زمان خاص دعوت خدا را شنیدند. من شخصاً زمانی این دعوت الهی را شنیدم که نوزده سال داشتم و در یک جلسه عبادتی نشسته بودم و در مورد آینده‌ام دچار کشمکش بودم. آن صدا قابل شنیدن نبود؛ اما احساس نیرومندی به من دست داد که به دنبال ماهها دعا و کشمکش در مورد آینده‌ام جاری شد. وقتی تسلیم این دعوت شدم، آرامشی شگفت‌انگیز سراسر وجودم را فراگرفت.

۲- آیا شهادت روح القدس را در مورد این دعوت در قلب خود دارم؟ وقتی خدا کسی را برای موعظه فرا می‌خواند، این دعوت در طول زمان نیرومندتر می‌شود. وقتی در دانشگاه تحصیل می‌کردم، یک همکلاسی داشتم که واعظ توانایی بود. اما الان بر این عقیده‌ام که او دعوت الهی را نداشت، به خاطر این واقعیت که پس از چند سال، او خدمت را رها کرد. دعوت خدا دائماً در قلب انسان شعله‌ور خواهد بود.

۳- آیا احساس می‌کنم که عطای موعظه کردن را دارم (اول قرنتیان ۷:۱۲)؟ عطای وعظ فقط بستگی به استعداد طبیعی فرد ندارد، بلکه به سکونت قدرت روح القدس نیز بستگی دارد که به شما پیامهایی می‌دهد و قدرت می‌بخشد که آنها را اعلام کنید. وقتی عطای روحانی خود را به کار می‌گیریم، مسرور می‌شویم از اینکه می‌بینیم که خدا ما را به کار می‌برد.

پیامی را موعظه می‌کنند که خدا را ابزاری در دست انسان معرفی می‌کند که نیازها و خواسته‌های او را برآورده می‌سازد.

۴- آیا کلیسا دعوت موعظه مرا مورد تشخیص و تأیید قرار می‌دهد؟ یک واعظ که موعظه‌هایش بسیار ضعیف بود، می‌گفت که مشکل او این نیست که نمی‌تواند خوب موعظه کند، بلکه اعضای کلیسایش عطای شنیدن ندارند! یکی از روشنترین نشانه‌های دعوت خدا از فرد برای موعظه کردن، استقبالی است که کلیسا از او می‌کند (اعمال ۱۳:۱-۴). واعظ دانا واکنش آنانی را که باید هر یکشنبه به پیام او گوش دهند، جویا می‌شود؛ و هر گاه که پیامش باعث برکت می‌شود، خدا را شکر می‌کند و از او می‌خواهد که او را در این خدمت بیشتر رشد دهد.

۵- آیا موعظه من ثمربخش است؟ آیا در اثر موعظه شما، افراد توبه می‌کنند؟ آیا در اثر موعظه شما، مقدسین رشد می‌کنند و به سوی بلوغ می‌روند (اشعیا ۵۵:۱۱)؟ موعظه کتاب مقدسی باعث دگرگونی گناهکاران می‌شود.

آیا خدا شما را برای موعظه کردن فرا خوانده است؟ پس در آن وجد کنید و امین بمانید. ■

(ادامه دارد)

(ادامه صفحه اول)

و هر کاری را با دعا آغاز می‌کرد. بدون دعا دست به کاری نمی‌زد. ما نیز باید در دعا آنقدر با او مأنوس و متحد شویم که بتوانیم مشکلات خود را به او بسپاریم و احساس امنیت کنیم.

۲- عیسی به کلام خدا امین بود. در لوقا ۲۴:۲۷ می‌خوانیم که او چگونه برای رسولان تشریح کرد که تمامی کتب بر او شهادت می‌دهند. او با امانت بر کلام خدا تکیه می‌کرد. پولس رسول به تیموتاؤس فرمود: «تو را... قسم می‌دهم... که به کلام موعظه کنی... و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتاؤس ۴:۱-۲). آیا شما هر روز در مکتب کتابمقدس کسب فیض می‌کنید؟ آیا پیغام شما بر تفسیر درست کتابمقدس استوار است؟

۳- عیسی در اطاعت از پدر امین بود. «زیرا که از آسمان نزول کردم نه تا به اراده خود عمل کنم، بلکه به اراده فرستنده خود» (یوحنا ۶:۳۸). عیسی با تمام میل، خود را تحت اختیار و اقتدار کامل پدر قرار داد. او در دعا فرمود: «نه به خواهش من، بلکه به اراده تو.» آیا حاضرید با امانت اراده خدا را برای زندگی خود بطلبید و از آن اطاعت کنید؟ آیا حاضرید خواسته خود را کنار بگذارید و خواست خدا را که بهترین است، انجام دهید؟ آیا مایلید با دعا از خدا بخواهید که

تفاوت میان اراده خودش و خواسته شما را نشان دهد؟ آیا حاضرید عبارت "خدا این را در قلب من گذاشته" را دیگر به کار نبرید، چون می‌دانید که آن واقعاً خواست شخصی خودتان می‌باشد؟ آیا امین‌تر نخواهید بود اگر بگویید که فکر می‌کنید که فلان چیز ممکن است اراده خدا باشد، اما منتظر هدایت او هستید؟

۴- عیسی در انجام آنچه پدر به او سپرده بود، امین بود. «من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تا بکنم، به کمال رسانیدم» (یوحنا ۴:۱۷). عیسی کاری را که شروع کرد، به پایان برد. او آمده بود تا جان خود را برای گناهان بشریت فدا کند؛ از این رو، از بالای صلیب اعلام کرد: «تمام شد!» به یک معنا، کار ما هرگز پایان نمی‌پذیرد چرا که فقط عیسی می‌توانست چنین ادعایی بکند. اما سرمشق او ما را فرا می‌خواند تا کاری را که شروع می‌کنیم، به پایان برسانیم. او ما را فرا می‌خواند که تا به آخر او را پیروی کنیم، طوری که بتوانیم همچون پولس رسول بگوییم: «به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته‌ام» (دوم تیموتاؤس ۴:۷). وقتی که فشارها هجوم می‌آورند و در خدمت خود با مخالفت دیگران روبرو می‌شوید، آیا امین باقی می‌مانید؟ باز پولس رسول می‌فرماید: «مسلماً یک مباشر باید قابل اعتماد باشد» (اول قرنتیان ۴:۲، ترجمه مؤده برای عصر جدید). در خدمت خود از

سختیها نگریزید، بلکه با فروتنی برای مسیح و کلامش بایستید، و خدا شما را عزت خواهد بخشید.

۵- عیسی در محبت کردن به شاگردانش امین بود. در یوحنا ۱۳:۱، می‌خوانیم که او با وفاداری شاگردانش را محبت نمود و این را تا حد نهایی‌اش انجام داد. سپس پایهای ایشان را شست، پایهای کسی را که ساعاتی بعد منکر رابطه با او می‌شد، و پایهای کسی را که می‌رفت تا او را به دشمن تسلیم کند. عیسی انسانها را محبت می‌کند، نه به خاطر اینکه آنها او را دوست دارند، بلکه به این سبب که او سرچشمه غایی محبت است. او شاگردانش را به خاطر گناهانشان رها نکرد، بلکه ایشان را تا به آخر محبت نمود. شکی نیست که خدا می‌خواهد ما همسرمان را تا به آخر دوست بداریم، فرزندانمان را علی‌رغم مشکلاتی که در طول تربیتشان پیش می‌آید دوست بداریم، و آنانی را که در کلیسا خدمت می‌کنیم دوست بداریم حتی اگر ایشان دیگر ما را دوست نداشته باشند.

عیسی تصویر کامل امانت و وفاداری است. اگر می‌خواهیم که جلال خداوندمان را در این جهان منعکس کنیم، ما نیز باید نمونه امانت نسبت به عیسی مسیح باشیم. باشد که روح القدس همه ما را دگرگون سازد.

(دنباله صفحه ۶)

کتابمقدس، باید شرایط تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی زمان نگارش آنها را بیابیم. برای این منظور باید به منابع خارج از کتابمقدس مراجعه کنیم، منابعی نظیر فرهنگ کتابمقدس (Bible Dictionary)، راهنمای مطالعه کتابمقدس (Bible Handbook)، کتاب‌های تفسیر، اطلس کتابمقدس، و غیره.

با ذکر دو نمونه، اهمیت این نوع بررسی در درک متن را نشان می‌دهیم. در کتاب مکاشفه ۲۲-۱۴:۳، خداوند عیسی به کلیسای لائودیکیه می‌فرماید که چون نه سرد است و نه گرم، او را از دهان خود قی خواهد کرد. بعضی از خوانندگان کتابمقدس تصور می‌کنند که منظور از سرد یا گرم بودن، سرد شدن از ایمان، یا گرم بودن در روح است. در حالیکه با مطالعه جغرافیای شهر لائودیکیه از منابع فوق، متوجه می‌شویم که در نزدیکی این شهر، چشمه آب گرمی بوده که آب آن توسط کانالی به شهر منتقل می‌شده است. این آب وقتی به شهر می‌رسید، گرمای بالای خود را از دست می‌داد؛ در نتیجه نمی‌شد از آن برای استحمام و شستشو استفاده کرد. در ضمن، آنقدر هم سرد نمی‌شد که برای نوشیدن گوارا باشد. لذا بلامصرف می‌شد! مسیحیان شهر نیز مانند آبش «بی‌فایده» و «بی‌ثمر» بودند، نه سرد برای نوشیدن، نه گرم برای استحمام!

نمونه دیگر را از مثل خداوندمان در متی ۱۳-۱:۲۵ می‌آوریم، یعنی مثل ۵ باکره دانا و ۵ باکره نادان. امروزه برای ما چندان قابل درک نیست که چرا آن ۵ باکره دانا از روغن خود به نادانان ندادند، و چرا داماد در این مورد اینقدر سختگیری کرد؛ فکر می‌کنیم که تأخیر از جانب داماد بود و آن ۵ باکره انصافاً تقصیری نداشتند. اما با مطالعه فرهنگ آن زمان، پی می‌بریم که آنچه که در متن «مشعل» نامیده شده، در واقع چراغدانهای روغنی بسیار

کوچکی بود که گنجایش اندکی برای سوخت داشت. هر فرد عادی در آن جامعه، می‌دانست که حتماً باید روغن اضافی با خود بردارد. کسی که چنین نمی‌کرد، شخصی بود بی‌فکر و بی‌مبالات؛ اگر روغنش تمام می‌شد، آن را به حساب تصادف نمی‌گذاشتند، بلکه به حساب بی‌مبالاتی و حتی اهانت به داماد.

گام ۸: مخاطبین متن

کتاب‌های کتابمقدس اکثراً برای مخاطبین مشخصی نوشته شده‌اند. آگاهی از شرایط و نیازهای آنها کمک بزرگی به درک مطلب می‌کند. برای مثال، اگر بدانیم که کتاب مکاشفه خطاب به مسیحیانی نوشته شده که از سوی امپراطور روم مورد پیگرد و آزار بودند، خیلی روشنتر خواهیم دید که مقصود خداوند این بوده که با این پیام، ایشان را تشویق و دلگرم سازد و نشان دهد که سرانجام دشمن اصلی یعنی شیطان که از انسانهایی نظیر امپراطور روم استفاده می‌کند، شکست خواهد خورد و پیروزی از آن خدا خواهد بود. به همین سان، اگر می‌دانستیم که مخاطب کتاب اعمال رسولان، یعنی تئوفیلوس چه مقامی داشت، بهتر می‌توانستیم مقصود از نگارش کتاب اعمال را درک کنیم.

گام ۹: موجبات نگارش

هر کتابی از کتابمقدس به علتی خاص، یا برای برآوردن نیازی خاص، یا برای پاسخگویی به سؤالی خاص نوشته شده است. کشف این موجبات، به درک مطلب کمکی شایان می‌کند. بار دیگر، بازگردیم به کتاب اعمال رسولان. اگر می‌دانستیم که عالیجناب تئوفیلوس که بود و چه مقامی داشت، و اگر می‌دانستیم که لوقا به چه علتی انجیل و نیز این کتاب را برای «او» نوشت، می‌توانستیم درک کنیم که چرا اساساً او فقط این رویدادها را از

تاریخ اولیه کلیسا گلچین کرده و به این شکل نقل کرده است. آنگاه، به‌عنوان مثال، می‌توانستیم بدانیم که چرا لوقا و فقط او در تمام عهدجدید به مسأله تکلم به زبانها به‌عنوان نشانه تعمیم روح‌القدس اشاره می‌کند.

در خصوص رساله فیلیپیان نیز که در شماره گذشته به‌عنوان نمونه مورد استفاده قرار دادیم، کشف موجبات نگارش نامه بسیار مفید است. بسیاری از واعظین به این رساله تحت عنوان رساله «شادی» اشاره می‌کنند. اما واقعیت این است که پولس آن را در وهله اول به این منظور نوشت. اگر رساله را آنگونه که در شماره پیشین طی گامهای ۱ تا ۴ گفتیم بخوانیم، از ۴:۱۰-۱۸ به علت اولیه نگارش رساله پی می‌بریم. طبق این آیات، مسیحیان فیلیپی هدیه‌ای به‌دست‌آوردند برای پولس فرستاده بودند. پولس برای تشکر از ایشان، نامه‌ای باز به دست او برای آنان می‌فرستد. در ضمن، از طریق او شنیده بود که در کلیسا اختلافاتی بروز کرده است. لذا از فرصت استفاده کرده، در زمینه اتحاد و یکدلی و فروتنی به ایشان اندرز می‌دهد، فروتنی‌ی مشابه آنچه که مسیح داشت (فیلیپیان ۵:۲-۱۱).

گام ۱۰: تأویل متن

با برداشتن گامهای فوق، اکنون آماده‌ایم که متن را تأویل کنیم، یعنی معنی اولیه آن را کشف کنیم. در مورد آیات نه چندان پیچیده، با طی نه گام فوق، تأویل متن خودبه‌خود به دست می‌آید. در مورد نمونه ما، یعنی فیلیپیان ۲:۱-۴، اینچنین است. اکنون می‌دانیم که کلیسای شهر فیلیپی را پولس بنیان گذاشت (اعمال ۱۶) و با ایشان رابطه‌ای صمیمانه داشت (۴:۱۵ و ۱۶). ایشان برای او هدیه‌ای (دنباله در صفحه ۱۱)

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت ت استیوارت

زندان نبخشیدن!

متی ۲۱:۱۸-۳۵

۱: مقدمه

وقتی پطرس تعلیم خداوند را در مورد نحوه برخورد با برادری که به برادری دیگر خطا می‌کند شنید، بیش از آنکه پاسخی دریافت کند، سؤال در ذهنش ایجاد شد. او پرسید: «خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می‌باید او را آمرزید؟»

در پس سؤال پطرس چه چیزی وجود داشت؟

- آیا می‌خواست بدانند که اگر شخص باید کسی را که دائماً باعث رنجشش شود، دائماً ببخشد؟

- آیا می‌خواست بدانند که خطاهای بسیار جدی وجود دارد که نباید آنها را ببخشید؟

- آیا فکر می‌کرد چه فایده‌ای دارد که شخص کسانی را ببخشد که هرگز تغییر نمی‌کنند و از خطاهایشان درس نمی‌گیرند؟
آیا این سؤالات برای شما نیز مطرح شده است؟

۲: در کتاب مقدس بخشایش به چه معناست؟

● واکنش خدا است به زخمها. خداوند ما بر روی صلیب، آنانی را که درست به خون او آلوده بودند، بخشید.

● طریق الهی است برای برقراری ارتباط راستین (اول یوحنا ۱:۷).

● طریق الهی است برای ابطال بدهی‌ها (اول پطرس ۲:۲۴).

۳: چه کسانی را باید ببخشیم؟

● باید دیگران را ببخشیم (متی ۶:۱۴-۱۵).

● باید وقتی که خطایی مرتکب می‌شویم، خود را ببخشیم.

● باید وقتی از خدا خشمگین هستیم، او را ببخشیم.

۴: چطور می‌توانیم ببخشیم؟

● بخشایش شاهی است بر فیض خدا (متی ۶:۱۲).

● نبخشیدن زندان است؛ در آنجا در میان دیوارهای سرد و بلندی قرار می‌گیرید که مانع رابطه شما با خدا و با دیگران می‌باشد.

● بخشیدن یک انتخاب است، نه یک احساس. وقتی فرزندان سرخپوستان آمریکا با یکدیگر دعوا می‌کردند، والدینشان هر دو را به درختی می‌بستند. وقتی مدتی می‌گذشت، بچه‌ها به شکلی خود را آزاد می‌کردند. مسیح می‌خواهد که ما به صلیب بسته شویم تا در آنجا قدرت بخشیدن را بیابیم.

(دنباله صفحه ۱۰)

فرستادند (۱۰:۴-۱۸)؛ او نیز در پاسخ، از ایشان تشکر کرده، به مشکل آنان در زمینه اتحاد رسیدگی می‌کند.

اما گاه نیاز ایجاب می‌کند که برای تأویل، به کتاب‌های خوب تفسیر نیز مراجعه کنیم. اما باید توجه داشت که این کار را باید فقط بعد از طی این نُه گام انجام داد.

گام ۱۱: تعبیر متن

منظور ما از تعبیر، انطباق دادن پیام اولیه متن به شرایط امروزی مان می‌باشد. در واقع، می‌خواهیم کاربرد متن را برای خودمان بیابیم.

این مرحله همان عاملی است که باعث اکثر سوء تعبیرها و اختلافات می‌گردد. بسیاری از مسیحیان، تفسیر را با تعبیر اشتباه می‌گیرند.

خود را به علامت تأیید تکان می‌داد. اما لحظه‌ای بعد متوجه شد که منظور گوینده این است که او «دل خود را خالی کرده» یعنی نزد خدا و سایرین درد دل کرده است! در حالیکه اگر گامهای فوق را طی کنیم، بدون هیچ تردیدی خواهیم دانست که مقصود از اصطلاح «خالی شدن مسیح» این است که او جلال الوهیت خود را ترک کرد، نه درد دل خود را. ما نباید از متن هر چیزی را که میل داریم، برداشت کنیم.

با امید به اینکه توضیحات مختصر فوق اندکی موضوع تفسیر و اهمیت آن را روشنتر کرده باشد، مقاله این شماره را به پایان می‌بریم. در شماره آینده، به چند نکته مهم دیگر اشاره کرده، این سلسله مقالات را خاتمه خواهیم بخشید. ■

یا متن را می‌خوانند و بدون طی گامهای فوق و کشف تأویل، به تعبیر می‌پردازند. یا آیه را می‌خوانند و هر آنچه را که در آن لحظه «احساس می‌کنند» به حساب تفسیر آیه می‌گذارند.

مهم‌ترین اصلی که در زمینه تعبیر یا کاربرد آیات وجود دارد، این است که کاربرد امروزی آیات نباید با تأویل یعنی معنی اولیه آنها متفاوت باشد.

مدتی پیش نویسنده این مقاله در محفلی از ایسمانداران بود. شخصی شهادت داده، می‌گفت که او از فیلیپیان ۲:۷ بسیار برکت پیدا کرده، چون همانطور که مسیح خود را خالی کرد، او نیز خود را خالی کرده است. نویسنده که تصور می‌کرد منظور او اینست که مانند مسیح از افتخارات و امتیازات خود گذشته است، سر

(دنباله صفحه ۴)

در داشتن هدفی روشن و عمل کردن بر اساس آن. هدف روشن نه تنها به ما می‌گوید چه باید کرد، بلکه نشان می‌دهد چه نباید کرد. حتماً با من هم عقیده‌اید که کلیسا نمی‌تواند همه کار بکند، چون وقت ندارد. خدا نیز چنین انتظاری از کلیسا ندارد. ثانیاً هرکاری لازم و حیاتی نیست و کلیسا نباید وقتش را با چیزهایی کم‌اهمیت تلف کند. رمز موفقیت در این است که بدانیم چه چیز واقعاً مفید است و به آن بچسبیم و برای چیزهای دیگر غم و غصه نخوریم و راه برای مایوس شدن باز نکنیم. معمولاً افراد در کلیسا نظرات عالی دارند، ولی اگر این نظرات به هیچ یک از اهداف کلیسا یاری ندهند، نباید به آن توجه کرد. توجه به این نظرات، شبانان و خادمین را مشوش و دل‌سرد می‌کند. کلیسای بدون هدف کلیسایی بی ثبات است؛ هر کس هر طور که بخواهد، به آن جهت می‌دهد. برخی کلیساها به خاطر داشتن چندین جهت، فقط دور خود می‌چرخند و راه به جایی نمی‌برند.

۳- هدف روشن تمرکز را تقویت می‌کند

نور متمرکز قدرت بی‌ظنیری دارد. با متمرکز ساختن نور خورشید به وسیله ذره‌بین می‌توانید کاغذی را بسوزانید. ولی اگر نور را متمرکز نکنید، نمی‌توانید کاغذ را بسوزانید. همین اصل در سایر موارد نیز کارگر است. یک زندگی متمرکز و یک کلیسای متمرکز بسیار قوی‌تر از زندگی و کلیسایی است که تمرکز ندارد. هدف روشن باعث می‌شود که بتوانید کوشش خود را متمرکز سازید، همچنان که پولس در فیلیپیان ۱۳:۳ می‌گوید همه انرژی خود را متمرکز می‌کند روی

هدفی که در پیش دارد. یکی از اشکالات برخی کلیساهای امروز این است که فعالیت‌های خوبی دارند، اما این فعالیت‌ها آنقدر زیاد و متنوعند که نمی‌توانند روی آنچه مهم است متمرکز شوند.

اعضای جدید، به ویژه آنانی که از کلیساهای دیگر آمده‌اند، معمولاً برنامه‌ها و شیوه‌های خاص خود را دارند که اگر از همان ابتدا با آنها برخورد نکنید، بعداً مزاحمت ایجاد خواهند کرد.

۴- هدف روشن اعضا را به همکاری تشویق می‌کند

مردم به کلیسایی خواهند پیوست که هدف روشن داشته باشد. مردم دوست دارند آنچه می‌کنند از معنا و مفهوم برخوردار باشد. لذا کلیسای هدفمند مردم را به خود جذب خواهد کرد. پولس همیشه هدفی روشن داشت، به همین دلیل نیز مردم دوست داشتند با او همکاری کنند. یک نمونه خوب کلیسای فیلیپی است، که چنان شیفته خدمت بشارتی پولس شده بود که از او پشتیبانی مالی مستمر می‌کرد (فیلیپیان ۴: ۱۵). اگر می‌خواهید اعضای کلیسایتان با شادی و نشاط با شما همکاری کنند و از کلیسا حمایت مالی نمایند، باید به‌طور واضح و روشن به آنها نشان دهید کلیسا چه هدفی را دنبال می‌کند. کسانی که می‌خواهند عضو کلیسا شوند، از اول باید بدانند هدف کلیسا چیست، و خود را نسبت به آن هدف متعهد سازند. در ضمن، این کار باعث خواهد شد کسانی که با هدف کلیسایتان موافق نیستند و

نمی‌خواهند تعهد بدهند، تکلیف خود را زودتر روشن کنند. اگر هدف خود را صریحاً اعلام نکنید، کسانی که عضو می‌شوند ممکن است پس از مدتی باعث دردسر شوند. اعضای جدید، به ویژه آنانی که از کلیساهای دیگر آمده‌اند، معمولاً برنامه‌ها و شیوه‌های خاص خود را دارند که اگر از همان ابتدا با آنها برخورد نکنید، بعداً مزاحمت ایجاد خواهند کرد.

۵- هدف روشن کار ارزیابی را آسان می‌کند

در دوم قرنیتان ۵:۱۳ می‌خوانیم: «خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه.» کلیسا چگونه می‌تواند خود را امتحان کند؟ آیا با مقایسه کردن با دیگر کلیساها؟ خیر! بلکه با سؤال کردن از خود که «آیا آنچه را خدا برای مادر نظر دارد انجام می‌دهیم؟» و «آیا آن را خوب انجام می‌دهیم؟» هدف مشخص و مدون کلیسایتان باید محکی جهت ارزیابی کلیسایتان باشد و سلامت و رشد کلیسایتان را اندازه‌گیری کند.

بزرگ یا کوچک بودن کلیسا ربطی به قدرت آن ندارد. کلیسا وقتی قدرتمند و سالم خواهد بود که هدفمند باشد. وقت لازم است تا کلیسا هدفمند گردد. گاهی ممکن است سالها طول بکشد تا کلیسایی تبدیل به کلیسای هدفمند شود. اگر مایلید کلیسایتان هدفمند شود، باید آن را از چهار مرحله مهم عبور دهید: (۱) اهداف کلیسا را مشخص کنید؛ (۲) اهداف را به‌طور مرتب به اعضای کلیسا یاد دهید و گوشزد نمایید؛ (۳) کلیسای خود را براساس این اهداف سازمان دهید؛ (۴) این اهداف را در همه بخشهای کلیسایتان به کار گیرید.

در شماره آینده به شرح هر یک از این چهار

مهم خواهیم پرداخت. ■